

## دو اجلاس، با دو هدف، در دو گوشه جهان

امسال گردهمایی زمستانی هر ساله «نخبگان» سیاست و اقتصاد جهان سرمایه داری، که مانند همیشه در شهر «داووس» در سویس تشکیل شد، با «اجلاس اجتماعی جهانی» که از ۲۵ ژانویه، به مدت ۵ روز، در «پورتوالگره» واقع در برزیل برگزار شد، مصادف بود.

در «داووس»، «نخبگان جهانی» از بیم تظاهرات خشم آلود مخالفان، سوار بر مرسدس بنزهای مشکی و تحت حفاظت ویژه گاردهای تا بن دندان مسلح سویس، که عملاً ارتباط «داووس» را با همه جا قطع کرده بودند، نگران از حوادث سیاتل، پراگ، نیس... نگران از آینده دلهره انگیز سرمایه داری جهانی، گردهم آمدند تا برای بحرانهای لاینحل خویش

در صفحه ۸

## کارگران به مبارزه خود ادامه می دهند

هنوز مدتی زیاد از تظاهرات اعتراضی کارگران کارخانه سیمین اصفهان نگذشته است که کارگران کارخانه بافناز اصفهان، در یک اقدام مشابه با مسدود کردن یکی از خیابان های اصلی شهر مطالبات بر حق خود را درخواست کردند. در آخرین روزهای سال اقداماتی چنین شجاعانه از طرف کارگران، نشان دهنده واقعیت های درونی جامعه ایران و بخصوص وضعیت وخیم کارگران و زحمتکشان میهنمان است. به گزارش «ایسنا»، ۲۷ اسفند، تجمع اعتراض آمیز حدود یک هزار نفر از کارگران کارخانه بافناز اصفهان منجر به بسته شدن خیابان چهارباغ بالای اصفهان شد. در پی عدم اجرای قول های داده شده، و اعلام عدم انجام آن از سوی

در صفحه ۲

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۰۵، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۷ فروردین ۱۳۸۰

### پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران:

## با هم به سوی تشدید مبارزه برای آزادی و رهایی از بندهای استبداد رژیم «ولایت فقیه»!

ایران را به زندانی بزرگ برای میلیون ها ایرانی تبدیل کردند.

در آستانه شروع سال ۱۳۷۹، یعنی ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، در شرایط دشوار تهدیدات فرماندهان نظامی «ولی فقیه» و فریاد های «وااسلاما»ی مرتجعان سیه دلی همچون جنتی ها، مصباح یزدی ها و دیگران و در حالی که بنگاه های خبر رسانی و مطبوعاتی رژیم، همچون صدا و سیما، کیهان، رسالت و دیگران مردم را به «دفاع از اسلامیت»، و «خط ولایت» دعوت می کردند، بیش از ۲۷ میلیون ایرانی به پای صندوق های رأی رفتند تا نمایندگان مزدور «ولی فقیه» را از مجلس شورا بیرون کنند و در شرایط تحمیل شده از سوی شورای نگهبان اکثریتی از نمایندگان را انتخاب کنند که خود را مدافع اصلاحات اعلام کرده بودند. شکست سنگین نمایندگان «ولی فقیه» در این انتخابات، خصوصاً هاشمی رفسنجانی، کارگزار کهنه کار ارتجاع، «عمود خیمه نظام» و کسی که به ادعای خودش سالها مسئولیت «مدیریت بحران» را در رژیم بر



از راه پیک صبح دل افروز می رسد  
وز بعد سال شب زده نوروز می رسد  
با بوسه نسیم بهاری به روی خلق  
پایان روزگار غم اندوز می رسد

هم میهن گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن نوروز، این خجسته سنت دیرین نیکان ما، آغاز فصل بهار و رستاخیز شورا انگیز طبیعت را، که پیام آور نو شدن جهان و چیرگی روشنائی بر تیرگی است، به همه شما صمیمانه تبریک می گوید و امیدوار است سال نو، سالی سرشار از موفقیت و پیروزی، در نبرد بر ضد تاریک اندیشی و استبداد قرون وسطایی و تسریع حرکت به سمت تحقق آزادی و استقرار حکومت متکی بر اراده مردم، در میهن ما باشد. ایران سال پر تحول و در عین حال پر تنش را از سر گذراند. سال ۱۳۷۹، سال تهاجم بی امان و پیاپی مرتجعان حاکم برای عقب نشاندن جنبش مردمی و مسدود کردن روند اصلاحات در میهن ما بود. کارگزاران «ولی فقیه» در شمایل گوناگون، ارگان های فرمایشی همچون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، چاقو کشان «انصار حزب الله»، نیروهای مسلح «ضد شورش»، تروریست های حکومتی، عمده کشتار دگراندیشان و قضات جیره خوار و مزدور که تنها وظیفه شان حفظ پایه های حاکمیت استبداد است، با اتکاء به «قانون» حقوق شهروندان را به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاردند و به نام دفاع از «اسلام» و «نظام»

ادامه در صفحه ۶

ایرج

زمینه چینی برای یورش به آیت الله منتظری ص ۲  
جنگ و گریز خیابانی در کردستان ص ۳  
احداث خط لوله انتقال آب ایران - کویت ص ۴

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت سی امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران در صفحه ۵

### با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت

#### ادامه کارگران به مبارزه خود ادامه ...

مدیریت کارخانه، حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران این کارخانه، با تجمع در مقابل در ورودی کارخانه، باعث بسته شدن چهارباغ بالای اصفهان شدند. صرف نظر از نتایج به دست آمده برای کارگران، نکته قابل اهمیت این است که، روش های کارآمد مبارزه کارگران به سرعت در میان دیگر واحدهای تولیدی سرایت کرده و با به کار بستن آنها از سوی کارگران نامتشکل پیروزی های مقطعی نصیب کارگران می شود. کاربست چنین روش هایی از طرف کارگران، منحصر به کارگران واحدهای تولیدی در اصفهان نیست. جنبش کارگری، در سال ۷۸، تجربه های نسبتاً موفق نسبت به سال های گذشته در این زمینه کسب کرده است، و به همین دلیل چنین اعتراض هایی در حال گسترش است. اعتراضات کارگری مستقل از نهادهای حکومتی، مانند اعتراض کارگران کفش ملی و شرکت ملی حفاری نفت ایران از نمونه های برجسته آن است. نکته بی که باید به آن با حساسیت زیاد توجه شود نوع برخورد جناح های حکومتی با مسایل کارگری است. بیش غالب بر هر دو جناح حکومتی با محتوایی همسو همچنان بطور ثابت ادامه داشته است. جناح حکومتی طرفدار اصلاحات، با سیاست سکوت خود، در قبال اعتراضات کارگری برخوردی مخالف منافع کارگران را همچنان ادامه می دهد. روزنامه «حیات نو» ۱۸ اسفند درباره مسایل کارگری، یکی از مقاله های خود را به این امر اختصاص داده است و در آن با اشاره به رشد و گسترش اعتراضات کارگری می نویسد: «کارگران شهرداری که در سال ۷۴ بنا به دلایل سیاست تعدیل اقتصادی دولت سازندگی از کار بازمانده اند چرا امروز در برابر شهرداری صف می کشند؟ یا کارگران یک شرکت خصوصی چرا باید اعتراضشان را در برابر استانداری تهران عنوان کنند؟ کسی نمی پرسد این اعتراضات که عمدتاً از بخش های گوناگون به کرات منتشر می شود، چرا اکنون شکل می گیرد؟ آیا طی سال های گذشته هیچ واحد تولیدی به محاق تعطیل فرو نمی رفت؟ و آیا اگر چنین می شد، چرا خبر آن پخش نمی شد و روزنامه هایی نظیر دو روزنامه محافظه کار آن را به صفحه اول خود مانند اکنون راه نمی دادند؟» مقاله، در ادامه با اشاره به رانت خواران ودخالت آنها در صحنه

گردانی چنین اعتراضاتی و استفاده آنها از نارضایتی کارگران، سیاست تعدیل اقتصادی راعلت اصلی بروز چنین ناآرامی هایی قلمداد می کند. اما نکته مهم مقاله نتیجه گیری از این نوع برخورد با مسایل کارگری است. روزنامه «حیات نو»، می نویسد: «شرکت آی تی تی آمریکایی، روزگاری توانسته بود با صرف هزینه های بسیار در شیلی و به خیابان کشیدن مردم و به ویژه زنان در برابر مقر حکومت مردمی آئنده، با صدای قاشق هایی که به کف دیگ های خالی می خورد، فضای مملکت را برای حضور قدرتمندانه ولابد ارزشمند دیگران فراهم آورد. اقدامی که با موفقیت هم همراه شد. اما اینها به این نکته واقف نیستند که اگر نسخه برداری جنگ های چریکی در چین، در سایر نقاط دنیا هم جواب می داد، همکاران نشان در آمل نقله نشده بودند. می توان داستانی از چخوف را با تفسیرات و دستکاری به نمایش بدل کرد، اما نمایش های اجتماعی را نمی توان نسخه برداری کرد و عیناً از این سردنیا به آن سردنیا برد.» در اینجا، قبل از پرداختن به مساله باید به این نکته اشاره کرد که، سیاست های آئنده در برابر انحصارهای بین المللی مبتنی بر قطع کردن دست های آنها از منابع و ثروت عمومی مردم شیلی بود، و دقیقاً به دلیل همین موضع گیری های انقلابی بود که انحصارهای بین المللی با تدارک یک کودتای خونین او را از اریکه قدرت به زیر کشیدند، در حالی که سیاست های تعدیل اقتصادی درست در همسویی با منافع سرمایه جهانی تنظیم و اجرا می گردد. نکته بی که روزنامه «حیات نو» از آن طفره می رود این است که، اگر چنین سیاست هایی باعث بیکاری و فقر هزاران هزار نفر از کارگران و زحمتکشان میهنمان گردیده است پس ادامه و کاربست چنین روش هایی در حال حاضر چگونه قابل توجیه است؟ اما مهم ترین نکته این است که اگر دوم خرداد ۷۶ را و حضور میلیونی توده ها در آن را قبول داشته باشیم باید بپذیریم از این جمعیت میلیونی، کارگران و

زحمتکشان هم سهم مهمی داشته اند. مگر این نیست که بنا به اعتقاد و باور فعالان سیاسی جناح حکومتی طرفدار اصلاحات این حضور نفی شیوه های گذشته بوده است؟ آیا این نفی، شامل سیاست های خانمان برانداز اقتصادی نمی شود؟ روزنامه «حیات نو» معتقد است رانت خواران و مافیای قدرت در صحنه گردانی چنین اعتراض هایی دخالت می کنند. این مساله را می شود به دو صورت تفسیر کرد. تفسیر اول این است که فقر، بیکاری، اخراج و عدم پرداخت دستمزدها تماماً ساختگی و یا موقتی است و تفسیر دوم این است که چنین وضعیتی حاصل عملکرد عمدی جناح حکومتی طرفدار سرکوب است. به نظر می آید تفسیر دوم برای قبولاندن آن به مردم بیشتر کارآیی داشته باشد. در این صورت سیاست سکوت جناح حکومتی طرفدار اصلاحات چه معنایی می تواند داشته باشد؟ پس چرا کارگران و زحمتکشان را آگاه نمی کنید؟ چرا به کارگران نمی گویند، سیاست خصوصی سازی یعنی چه؟ چرا به کارگران نمی گویند رانت خواری اصولاً برای چه وجود دارد؟ آیا می شود سیاست های اقتصادی گذشته را دنبال کرد و در عین حال با آن نیز مخالف بود؟ اما سرمقاله روزنامه «حیات نو» در هراس از انفجار عمومی توده های رنج و زحمت در واقع به نصیحت طرف مقابل می پردازد. این در حالی است که اصلاح طلبان واقعی چاره ای به جز تکیه بر طبقات محروم و ستم دیده میهن ندارند. ماندگاری و تداوم روند اصلاحات در همین نکته نهفته است. ادامه سیاست های کنونی باتلاق ایده آل سرکوب گرانی است که مترصدند ضربه نهایی را بر کل جنبش فرود آورند.



سراسر دروغ می نویسد آن هم در مورد احمد آقا که امین امام بوده و آیا این جفا نیست؟» علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در خطبه های نماز جمعه، در این باره ضمن اشاره به وفاداری احمد خمینی به آن چیزی که او آرمان های انقلابش نامید گفت: «برخی ها به دلیل همین وفاداری کامل حاج سید احمد خمینی، کینه او را به دل گرفتند و اکنون نیز در ورای برخی دشمنی هایی که با این عزیز سفر کرده می شود، ضربه زدن به امام و انقلاب هدف گیری شده است.» با اینکه احتمال برخورد جدی با آیت الله منتظری در مقطع کنونی چندان محتمل به نظر نمی رسد اما آماده سازی و مقدمات این کار از اولویت های سرکوب گران است. خشم فروخورده آنان از این

در جامعه التهاب ایجاد کنم و تنها به همین بسنده می کنم. این جفای بزرگ را باید به خدا شکایت کرد که در ششمین سال رحلت سید احمد برخی از دوستان و تاریخ سازان و نه دشمنان، او را به قدرت طلبی و کانالیزه کردن امام و بدتر از آن حمایت از منافقان متهم می کنند. چرا به گونه ای سخن بگویم و مطلب بنویسم که برای دشمنان خوراک تبلیغاتی شود و چرا موجب دل آزدگی دوستان انقلاب می شوید؟» روزنامه کیهان چاپ تهران، روز پنجشنبه ۲۵ اسفند، از قول ناطق نوری، نامزد شکست خورد از توده ها در انتخابات قبلی ریاست جمهوری، نوشت: «متأسفانه در همین زمان هم که هنوز نسل اول انقلاب هستند، هنوز بچه های جنگ و جبهه، جانبازان، آزادگان، خانواده شهدا هستند، تحت عنوان خاطرات نسبت های ناروایی را به امام و فرزندش مرحوم حاج احمد آقا می دهند. انسان تعجب می کند از خاطرات این اشخ [آیت الله منتظری] که

## زمینه چینی مرتجعان حاکم برای یورش به آیت الله منتظری

سالگرد مرگ، یا به تعبیری میراندن، احمد خمینی فرصتی بود تا شمارش معکوس برای «یکسره کردن کار» آیت الله منتظری آغاز شود. همان طور که حزب توده ایران قبلاً هشدار داده بود، تداوم بازداشت و سرکوب به شیوه «قانونی» به عنوان گزینشی بی کم تنش و تاکنون موثر، حذف و به زندان افکندن نیروهای اصلاح طلب در داخل ایران را به همراه داشته و در این میان استثنایی وجود نخواهد داشت. دستگیری بیش از بیست تن از فعالان ملی - مذهبی نشان از تداوم سرکوب گام به گام جناح حکومتی طرفدار سرکوب دارد. به دنبال نامه خانواده خمینی در باره احمد خمینی، که از آن به عنوان رنج نامه نام رفته است، دیگر مقامات حکومتی هر یک اظهاراتی درباره این مساله داشته اند. روزنامه دوران امروز، شنبه ۲۷ اسفند، از قول مجید انصاری، نوشت: «هم اکنون سید احمد بیش از گذشته مظلوم واقع شده است و بنده سربسته می گویم و نمی خواهم

## ادامه یورش مرتجعان به آیت الله

افشاگری ها قاعدتا نباید بدون پاسخ بماند. موضع گیری آیت الله منتظری در برابر فاجعه اعدام زندانیان سیاسی و نقش مثبت او در روشن سازی افکار عمومی به نفع جنبش اصلاح طلبی وظیفه ای حساس و مهم را بر دوش تمامی طرفداران واقعی اصلاحات می گذارد. دفاع از آیت الله منتظری در برابر یورش قریب الوقوع سرکوب گران به او باید به طور جدی مورد توجه تمامی نیروهای انقلابی قرار گیرد. دفاع از آیت الله منتظری به دلیل در هم تنیدگی با مقوله پیشبرد اصلاحات در داخل ایران از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. خنثی کردن این توطئه بر ضد آیت الله منتظری به خودی خود در ارتقای جنبش توده ای سهم بسزایی خواهد داشت.

## جنگ و گریز خیابانی در کردستان

بنا به گزارش رسیده، مردم و جوانان شهر میروان، در تجمعی که به مناسبت نوروز بر پا شده بود، در اعتراض به رژیم ولایت فقیه با ریختن نفت و برپا کردن آتش و مسدود کردن خیابان های شهر به مقابله با نیروهای سرکوب گر رژیم پرداختند.

هزاران تن از جوانان در این تظاهرات شرکت داشته اند که از گستردگی زیادی برخوردار بوده است. چنین تظاهرات اعتراضی که به بهانه نوروز برگزار گردید در دیگر شهرهای کردستان نیز بر پا گردید.

مراسم نوروزی در بانه به جنگ و گریز خیابانی مابین نیروهای رژیم و مردم تبدیل شد. مردم بانه در اعتراض به حمله نیروهای سرکوب گر رژیم که در صدد متفرق کردن آنها هنگام اجرای مراسم نوروزی بودند، با حمله به ادارات دولتی و بانک ها خشم خود را نسبت به این اقدامات سرکوب گرانه ابراز داشته و به مقابله با نیروهای سرکوب گر رژیم پرداختند. کنترل اوضاع شهر برای ساعت ها از دست نیروهای رژیم خارج شده بود. چنین تجمعات وسیع در منطقه کردستان تاکنون بی سابقه بوده است. در جریان این تظاهرات اعتراضی تعدادی از هموطنان کرد که عمدتاً از جوانان بوده اند توسط نیروهای انتظامی رژیم دستگیر شده اند.

## یورش به گلستان خاوران

وقتی خانواده ها و آشنایان قربانیان فاجعه ملی، در گلستان خاوران، بر مزار عزیزان خویش، که در فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ توسط حکومت اسلامی قتل عام شدند، حضور یافتند، تا همزمان با سال نو، این قطعه خاک مبارک را که سال هاست به عنوان محل دفن عزیزان خود نشان کرده اند، با گل بیاریند و بر آن گلاب بپاشند، با منظره بی دردآورد و روبرو شدند. آنان قطعه زمینی را در برابر خود یافتند که بار دیگر توسط دشمنان مردم به کین، زیر و رو شده بود، نهال هایش شکسته و گل هایش پر پر گردیده بود. این وحشی گری البته برای نخستین بار نیست که رخ می دهد.

«خاوران» سال هاست از سوی عوامل ارتجاع مورد تهاجم است و تخریب می شود و امسال نیز آنچه پیش از این به همت خانواده ها و دوستان و آشنایان قربانیان فاجعه ملی آراسته شده بود، لکدکوب گردید. «خاوران» را نمی توان تخریب کرد، زیرا هم نشان از آزادی و آزادگی دارد و هم سخن از جنایتی دارد که میهن ما هیچ گاه نباید فراموش کند و فراموشش نخواهد کرد. تردید نداریم زمانی که آزادی در ایران پیروز شود، خاوران نیز غرق در گل های زیبا و رنگارنگی خواهد شد به نشانه قدر شناسی ملت ایران از آنان که، در راه آزادی جان باختند.

## یاد رفیق توده ای مسلم هاشمی گرامی باد

آوازه خوان گذشت

ولیکن ترانه اش

گل می کند به دامنه کوهپایه ها

سیاوش کسرائی

حزب توده ایران یکی از یاران وفادار خود را از دست داد. رفیق مسلم هاشمی، آموزگار مبارز، در سال ۱۳۰۹ در سیاهکل متولد شد و در ۱۷ سالگی به عضویت حزب توده ایران در آمد و تا آخرین لحظه عمر، یعنی ۵۳ سال به آرمان های حزب وفادار ماند.

او پس از کودتای ۲۸ مرداد، سالها در شرایط مخفی مبارزه کرد و طعم تلخ زندان، تبعید، شکنجه، محرومیت و آوارگی را چشید ولی هرگز به توده های زحمتکش پشت نکرد. پس از انقلاب همچنان به اعتقادات خویش پایبند ماند و تا آخرین روز عمرش روزنامه «نامه مردم» را مطالعه می کرد و با شور و وظیفه شناسی آنرا برای دوستانش می برد. رفیق هاشمی نمونه ای از رفقای توده ای بود که بیش از نیم سده در راه برافراشته نگاه داشتن پرچم حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران کوشید.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

## روند سرکوب و بازداشت ها ادامه دارد

بنا بر اساس دیگر گزارش های رسیده خانواده زندانیان سیاسی امسال مراسم نوروزی را در پشت دیوارهای زندان اوین برگزار کردند. با اینکه تعداد زندانیان سیاسی هر روز گسترش می یابد و همچنین با وجود نزدیکی و تماس اکثر خانواده های زندانیان سیاسی با یکدیگر هنوز اقدامی هماهنگ و موثر برای اعتراض و تحت فشار قرار دادن رژیم ولایت فقیه صورت نپذیرفته است.

چنانچه چنین اقدامی صورت عملی به خود بگیرد تأثیری بسیار متفاوت تر از آنچه تاکنون ما شاهد بوده ایم بجای خواهد گذاشت. برای آزادی زندانیان سیاسی چاره ای به جز متوسل شدن به راه هایی که خارج از کنترل نهادهای حکومتی حتی جناح اصلاح طلب باشد وجود ندارد. رژیم ولایت فقیه مترصد فرصتی است تا کینه های چهارساله اخیر خود را نسبت به جنبش مردمی با قربانی کردن این زندانیان به توده مردم نشان دهد. نباید گذاشت چنین اقدام جنایت کارانه ای صورت تحقق به خود گیرد.

در پی افزایش دستگیری ها و بازداشت ها، ایستادگی روز شنبه ۵ فروردین گزارش داد که، ابراهیم شیخ عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) به عنوان مطلع از سوی دادگاه انقلاب احضار و سپس بازداشت شد. چنین بازداشت های بی رويه و رو به افزایش در حالی جریان دارد که جمعی از خانواده های بازداشت شدگان ملی مذهبی با انتشار اطلاعیه بی نسبت به عدم تماس تلفنی محمود عمرانی و محمد بسته نگار با منازل خود بعد از قریب ۱۲ روز بازداشت آنان، ابراز نگرانی کردند.

در این اطلاعیه گفته شده است که، در پی بازداشت های اخیر، بازداشت شدگان با خانواده های خود تماس تلفنی کنترل شده ای از سوی دادگاه انقلاب برقرار کردند، اما پس از سپری شدن قریب به ۱۲ روز، هنوز آقایان محمود عمرانی و محمد بسته نگار با منازل خود تماس نگرفته اند. محمد بسته نگار داماد آیت الله طالقانی است و خانواده او ضمن محکوم کردن اقدامات فوق الذکر، از مقامات قضایی خواستار آزادی بازداشت شدگان گردیدند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## احداث خط لوله انتقال آب ایران - کویت

### انگلستان، امتیاز انحصاری صادرات آب ایران به مدت ۳۰ سال را به چنگ آورد!

نشانگر بی مسئولیتی گردانندگان رژیم ولایت فقیه در برابر آینده ایران و مردم آن است.

اما موضوع انتقال آب به کویت با دخالت انگلیس، مسایل مهم دیگری را نیز در بر دارد که جناح های حکومتی به عمد آن را به دست فراموشی می سپارند. اهمیت آب در جهان معاصر تا به آن پایه است که، جزئی از مقوله امنیت ملی به شمار می آید، خصوصاً در مناطق کم آب، مانند منطقه ای که ایران به لحاظ جغرافیایی در آن واقع شده است.

بر اساس برآورد بانک جهانی، آب، نقشی اساسی در توسعه کشورهای در حال رشد در خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا در سده بیست و یکم ایفا کرده و می کند. در همین برآورد و ارزیابی، تاکید می کند که، آب هر چه بیشتر اهمیت یافته و با اصل امنیت ملی پیوند می خورد، به شکلی که موضوع آب در روابط میان کشورها، بویژه در خاورمیانه و حوزه خلیج فارس و نیز آسیای مرکزی جایگاهی استراتژیک احراز کرده است و در شکل گیری توازن قوا در سطح منطقه ای از اولویت برخوردار می گردد.

با تکیه بر این واقعیت ها، آیا واگذاری امتیاز صادرات آب ایران به انگلستان حراج استقلال کشور نیست؟! اصولاً، اگر صادرات آب ایران برای منافع ملی ما دارای اهمیت است (که صد در صد هست) چرا باید در چنگ بیگانگان قرار داشته باشد؟ نکته شایان دقت دیگر، دخالت بانک جهانی در طرح مذکور است. این نهاد قدرتمند سرمایه داری جهانی، طراح تمام مراحل انتقال آب ایران به کویت بوده است، این طرح را چون دستور العملی لازم الاجرا به رژیم ولایت فقیه دیکته کرده است!

حزب توده ایران، واگذاری امتیاز صادرات آب ایران به انگلستان را عملی کاملاً مغایر با منافع ملی ایران ارزیابی می کند، و ضمن محکوم کردن آن همه نیروهای آزادی خواه، میهن پرست و مترقی را به مبارزه متحد در راه تامین استقلال کشور و مقابله با واگذاری امتیازات اسارت بار به بیگانگان، فرا می خواند.

### ادامه نگاهی به رویدادهای جهان

بحران هایی در بسیاری از کشورهای جهان در حال تکرار است. این بحران ها نه تنها جو ضد آمریکایی و ضد صندوق بین المللی پول را گسترش می دهد، بلکه مبارزه میان طبقات را نیز تشدید می کند. مبارزه میان سرمایه داران و کارگران و تهیدستان.

### پیروزی چپ در پاریس!

اتحاد نیروهای چپ در فرانسه، در انتخابات شهرداری ها در پاریس به پیروزی رسید. اتحاد چپ با به دست آوردن ۸۹ کرسی از ۱۶۳ کرسی موجود، سرانجام پس از ۱۳۰ سال، زمام امور شهر پاریس را در اختیار گرفت که برای نیروهای چپ این یک پیروزی تاریخی است. «برنات دیلانو» به عنوان اولین سوسیالیست در تاریخ ۱۳۰ سال گذشته، اداره شهر پاریس را به عهده می گیرد.

در لیون نیز چپ ها با به دست آوردن ۴۲ کرسی در برابر ۳۱ کرسی نیروهای راست، آنها را با شکست مواجه ساختند. البته نتیجه کامل انتخابات در کل فرانسه، بر رغم پیروزی مهم و سمبلیک چپ در پاریس، در بردارنده شکست نیروی چپ در تعداد قابل توجهی از شهرهای دیگر است. نتیجه این انتخابات از این بابت برای چپ ها حائز اهمیت است که، این آزمون، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، محک خوبی برای آگاهی از موقعیت و مقبولیت نیروهای سیاسی عمده در کشور خواهد بود.

سال ۱۳۷۹، در تاریخ میهن ما به عنوان دوره اوج پدیده خشکسالی به ثبت رسیده است. بر اساس گزارش رسمی سازمان ملل متحد، خشکسالی ایران در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بوده است و خسارات هنگفتی را به ویژه به صنعت، کشاورزی و دامپروری و محیط زیست وارد آورده است. وزارت کشاورزی جمهوری اسلامی، خسارت مالی این خشکسالی را بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال برآورد کرده است. در تیر ماه امسال، مدیر کل ستاد حوادث غیر مترقبه وزارت کشور نیز گزارش داده بود که، ۱۷ استان کشور با بحران خشکسالی مواجه اند و ۱۱ استان دیگر نیز در بخش هایی دچار خشکسالی اند. علاوه بر تلف شدن هزاران رأس دام و تخریب محیط زیست، تولید گندم ایران بر اثر بروز این بحران، با حداقل ۴ میلیون تن کاهش روبه رو شده و ۸۰ درصد از کل گندم زارهای دیم، در سراسر کشور، بر اثر خشکسالی نابود گردیده است.

این توضیح کوتاه، به نقل از منابع رسمی و دولتی، نشان می دهد، ایران تا چه حد با مسأله کم آبی روبه رو است، و سرمایه گذاری در امر آب و گسترش شبکه های آبیاری تا چه اندازه برای کشور ضرورت دارد. ولی با این اوصاف، نه تنها هیچ سرمایه گذاری زیربنایی برای ایجاد و گسترش شبکه های آب رسانی انجام نگردیده، بلکه قرار است آب بر اساس طرح هایی صادر و صادرات آن نیز در چنگال انگلیسی ها خواهد بود.

رسانه های همگانی، در اواسط آذر ماه، گزارش دادند که، طرح احداث خط لوله انتقال آب ایران به کویت به مناقصه گذاشته شد، و شرکت های انگلیسی در این مناقصه برنده شدند. یک شرکت انگلیسی به نام «گلف یوتیلیتیز» در راس یک کنسرسیوم بین المللی امتیاز پر سود این خط لوله فوق العاده استراتژیک را بدست آورد. بر پایه این طرح که به توافق دولت های ایران و کویت نیز رسید است، روزانه حدود ۲۰۰ میلیون گالن از ذخیره آب پشت سد کرخه، در استان خوزستان، به کویت انتقال داده خواهد شد. برای انتقال این حجم عظیم آب، مجموعاً خط لوله ای به طول ۴۴۰ کیلومتر که ۳۳۰ کیلومتر آن در داخل خاک ایران و مابقی آن در بستر خلیج فارس در نظر گرفته شده است، احداث می شود. هزینه این طرح ۲ میلیارد دلار است که، شرکت انگلیسی «گلف یوتیلیتیز» تامین آن را بر عهده گرفته است. شرکت انگلیسی در برابر تامین اعتبار احداث این خط لوله، به مدت ۳۰ سال اداره کامل (یعنی بدون کوچکترین دخالت ایران) و عایدی (سود فراوان) آن را در اختیار خواهد داشت. این به معنای آن است که امتیاز انحصاری صادرات آب ایران به یک دولت بیگانه، واگذار شده است!

جالب اینجاست که، روزنامه همشهری چاپ تهران، که به طور معمول نظرات کارگزاران سازندگی را منعکس می سازد، در مطلبی در دفاع از این اقدام نوشت: «با توجه به وضعیت اقلیمی [کرخه] از بیشترین میزان تبخیر برخوردار است و چون نه شبکه های آب رسانی پایین دست امکان توزیع همه آب ذخیره شده را دارد و نه اصولاً با توجه به شور بودن اغلب اراضی جنوب خوزستان امکان بهره برداری از چنین آبی وجود دارد، سهم ما برای مشارکت در این طرح به واقع فروش آبی است که اگر آن را نفروشیم، بخار شده و ذرات بخار دوباره به زمین باز خواهد گشت.» (روزنامه همشهری، به نقل از اطلاعات بین المللی، ۱۶ آذر ماه ۷۹).

در برابر این استدلال، و یا بهتر بگوییم، عذر بدتر از گناه، باید یادآور شد که، در کشوری که آب در آن یک امر حیاتی است، چرا باید ذخیره آب پشت سدهای آن تبخیر شود!!! ایران در منطقه ای واقع است که به صورت دوره ای هر ۲۰ تا ۳۰ سال با یک خشکسالی مواجه می شود. برنامه کسانی که سهم آب، و یا به بیان دقیق تر بخشی از ثروت ملی را به انگلستان واگذار کرده اند، برای آینده چیست!!! این نوع استدلال و دلیل تراشی،

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت سی امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران

به مناسبت سی امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراسم بزرگداشتی را در آلمان، در شهر بن، برگزار کرد که نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در آن حضور یافته و پیام کمیته مرکزی حزب را به اطلاع شرکت کنندگان در مراسم رساند. متن پیام کمیته مرکزی به شرح زیر است.

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین دروذهای اعضاء و هواداران حزب را به شما، و از طریق شما به تمامی اعضاء و هواداران فدائیان (اکثریت) تقدیم می کند. سی سال است که فدائیان خلق ایران، بررغم پیگردها و سرکوب های خونین، به پیکار خود در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ادامه می دهند و در این راه فداکاری های بسیار کرده اند. سی سال پیش، در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، جنبش فدائیان خلق ایران، با هدف شکستن طلسم اختناق رژیم ستم شاهی، در میان روشنفکران و جنبش دانشجویی کشور شکل گرفت، و تا به امروز همچنان پایبند به آرمان های مردمی به نبرد خود بر ضد استبداد و ارتجاع ادامه می دهد. حزب توده ایران، بررغم اختلاف های نظری با جنبش چریکی، همواره به پیکار فدائیان با دیده احترام نگرسته است و تلاشش متوجه برداشتن سدها و ایجاد زمینه های همکاری همه نیروهای چپ و مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان میهن ما بوده است.

رفقای عزیز!

شما در شرایطی به استقبال سی امین سالگرد تأسیس جنبش فدائیان می روید که مبارزه توده های زحمتکش و ستمدیده برای رهایی از ستم و سرکوب رژیم «ولایت فقیه»، با وجود همه ترفندها و حملات ارتجاع حاکم، همچنان در ابعاد گسترده یی ادامه می یابد. حمله وسیع کارگزاران استبداد و تاریک اندیشی به روزنامه های مدافع اصلاحات، دستگیری، شکنجه و آزار نویسندگان و روزنامه نگاران دگراندیش، در کنار تشدید حملات برگردان های اجتماعی مدافع اصلاحات، خصوصاً جنبش دانشجویی، حاکی از اوضاع بشدت بحرانی میهن ما و تلاش های ارتجاع برای بازگرداندن چرخ تحولات به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. تحولات سالیان اخیر میهن ما، عینی بودن این تحلیل را به اثبات رسانده است که، مبارزه برای «طرد رژیم ولایت فقیه» عمده ترین صحنه پیکار برای برون رفت از بحران همه جانبه سیاسی-اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور است. حمایت زحمتکشان، جوانان و زنان - قربانیان اصلی سیاست های رژیم ولایت فقیه- از روند اصلاحات، و طرد سران ارتجاع در همه پرسی های گوناگون، از جمله انتخابات بهمن ماه سال گذشته، نشان دهنده پختگی و درایت توده هاست، که در چهار سال گذشته، مصمم و بی ترلز، در راه آرمان های والای آزادی و استقرار یک حکومت مردمی رزمیده اند. توده های مردم، با بهره برداری هوشمندانه از اوضاعی که اختلافات عمیق ناشی از بحران همه جانبه کشور در راس حاکمیت ایجاد کرده است، توانسته اند مهر خود را دگر بار بر تحولات کشور بزنند. حزب توده ایران، همچنان معتقد است که، جنبش مردمی در مبارزه خود برای آزادی ها، می تواند و باید از تضاد های موجود بین جناح های حاکمیت بهره برداری کند، و مخالف دامن زدن به ایجاد هر گونه توهمی پیرامون جناح ها در میان توده ها است. چهار سال پس از رفتارندوم تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶، که در آن بیست میلیون ایرانی با قاطعیت «نامزد اصلح» رژیم «ولایت فقیه» را طرد کردند و برخلاف همه توصیه های خامنه ای و شرکاء، مخالفت صریح خود را با سیاست «هرچه بیشتر اسلامی کردن» ایران و «ذوب در ولایت» اعلام کردند، هنوز هیچ یک از خواست های توده ها، و همچنین قول های انتخاباتی آقای خاتمی تحقق نیافته اند. حزب ما در آن دوران، ضمن رد این باور نادرست شماری از رهبران جنبه دوم خرداد، که معتقد بودند می توان همه آزادی ها و حقوق مدنی را در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» بدست آورد، بر این نکته تأکید داشت و همچنان

دارد که سران رژیم «ولایت فقیه» مصمم اند با استفاده از همه امکانات «قانونی» که در اختیار دارند - از جمله قوه قضائیه، ارگان های مسلح و سرکوبگر و نهادهای غیر دموکراتیک و ضد مردمی همچون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت - سد راه تحقق خواست های مردم شوند. تجربه چهار سال گذشته، همان طوری که شما نیز در آخرین اعلامیه های خود به آن اشاره کرده اید، نشان داده است که «ساختار سیاسی حاکم بر کشور ما، ساختار مبتنی بر ولایت فقیه» سد راه اصلاحات و تحولات به سود منافع توده های کار و زحمت است، و ضروری است تا با اتکاء به توده های مردم، و سازمان دهی جنبش همه نیروهای مترقی و آزادی خواه در کنار هم، در مقابل ترفندها و تهاجمات ارتجاع ایستادگی کنند.

رفقای گرامی!

حزب ما، با شناخت دقیق از تاریخچه مبارزه سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و پیکار فدائیان در سه دهه گذشته در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن، خواهان ایجاد ارتباطات نزدیکتر، و برنامه ریزی برای فعالیت های مشترک، در جهت کمک به مبارزات خلق های میهن مان، بوده است. حزب ما، بررغم تفاوت مشخص دیدگاه ها، در گذشته و حال، راستای عمده سیاست های شما را با آماج های برنامه حزب توده ایران، در مبارزه برای تحقق خواست های زحمتکشان، مشترک دانسته، و معتقد بوده است که، باید بر اساس نقاط اشتراک، از جمله پیکار در راه آزادی میهن از بند های استبداد، گام های عملی جدی یی در راه تنظیم سیاست مشترک مبارزاتی برداشته شود.

همان طوری که مطلع اید، حزب ما معتقد است که، یکی از ضعف های اساسی جنبش در وضعیت کنونی عدم سازمان یافتگی نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، و نبود یک برنامه مشخص مبارزاتی برای پیش برد امر اصلاحات در میهن ماست. به گمان ما، چپ ایران باید بتواند با اتحاد عمل نقش موثر تری در حوادث و رویدادهای کشور داشته باشد. چپ ایران، با اتکاء به پایگاه وسیع اجتماعی خود در میان توده های کار و زحمت، اگر بتواند بر پرراندگی و دشواری های کنونی خود فایق آید بی شک یکی از نیروهای اساسی در تحولات آینده میهن ما خواهد بود. حزب توده ایران، در پیگیری چنین مبارزه تاریخی است که، با طرح منشور آزادی و پیشنهاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری، دعوت خود از نیرو های دموکراتیک کشور برای یک مبارزه همه جانبه برضد رژیم ولایت فقیه را تکرار کرده است.

رفقای گرامی، اجازه دهید تا باردیگر سی امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران را به شما تبریک بگویم، و با دروذهای آتشین به خاطره تابناک شهدای فدایی و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن مان، برایتان موفقیت آرزو کنیم.

درد آتشین به خاطره تابناک همه شهدای راه آزادی و عدالت اجتماعی و همه زندانیان سیاسی!  
با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

با دروذهای گرم

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۹

ادامه پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب ...

عهده داشته است نشان داد که بر خلاف تبلیغات سراسر دروغ رژیم درباره پایبندی مردم به «نظام اسلامی» اکثریت قاطع شهروندان میهن ما خواهان طرد این «نظام» پوسیده و فاسدند.

شکست سنگین انتخاباتی رژیم زنگ خطر جدی در گوش سران رژیم بود. ادامه روند اصلاحات، حتی در چارچوب های بسیار محدود برای آینده و بقای رژیم بسیار خطرناک است و از این رو باید با تمام قوا این روند را متوقف و جنبش مردمی را سرکوب کند. در مقابل بی عملی، بی سیاستی و مهم تر از همه در غلطیدن بخش های مهمی از رهبری جنبش دوم خرداد به سکوت و مماشات، مرتجعان حاکم، با اغتنام فرصت از شعار «آرامش فعال»، در سال گذشته گام به گام نقشه های پلید خود را بر ضد جنبش مردمی به مرحله اجراء در آورند.

سال ۱۳۷۹، نشان داد که «ولی فقیه» رژیم بیش از پیش و آشکارا به عنوان سدی جدی در مقابل روند اصلاحات قرار گرفته است و حاضر نیست با تمکین در برابر رأی مردم به مجلس شورای اسلامی اجازه دهد تا بر اساس وظایف قانونی خود به لایحه مطبوعات رسیدگی کند و این لایحه ضد دموکراتیک و دست پخت جنایتکاری همچون سعید اسلامی را تغییر دهد. به اعتراف کربوی، رئیس مجلس «ولایت مطلقه فقیه یعنی همین»، یعنی اینکه نمایندگان مجلس حتی حق وکالت مردم را ندارند. مسأله بی که محمد یزدی، رئیس سابق قوه قضائیه، عضو شورای نگهبان، و از نزدیکان خامنه ای، در نخستین نماز جمعه سال ۱۳۸۰ با روشنی تکرار و تأکید کرد: «بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، تمام مسایل باید بر اساس موازین اسلامی باشد و خارج از موازین اسلامی، هیچکس حق ندارد قانونگذاری کند... نمایندگان مجلس برای تصویب چیزی که غیر اسلامی باشد اساساً نمایندگی ندارند... در چارچوب مسایل اسلامی نماینده مجلس وکیل نیست، به طور اصطلاح به او وکیل می گویند. نمایندگی مجلس وکالت نیست، تصادفاً وکیل گفته می شود...» (به نقل از ایرنا، ۳ فروردین ۱۳۸۰).

سال ۱۳۷۹ بروشنی بیشتر نشان داد که، قوه قضائیه ابزار «قانونی» سرکوب در دست رژیم است که با استفاده از آن می توان هر کسی را، از نماینده مجلس شورای اسلامی تا خبرنگار و فعال جنبش دانشجویی را به دلایل ساختگی و مسخره، از جمله «تشویش اذهان عمومی» دستگیر و زندانی کرد و زیر شکنجه های وحشیانه و ادار به اعتراف به کارهای نکرده کرد و سپس با پرونده های از پیش تدارک شده به سال های طولانی زندان محکوم کرد.

سال ۱۳۷۹، سالی بود که سران رژیم هراسان از عاقبت کار به طور رسمی بر ضد روند اصلاحات اعلام جنگ کردند. نخست به فرمان «ولی فقیه» بیش از ۳۵ نشریه مدافع اصلاحات به جرم دروغین و ساختگی «پایگاه دشمن» بودن، و به عبارت دقیق تر به جرم دفاع از روند اصلاحات و حقوق مردم به محاق تعطیل کشانده شدند. در پی این هجوم ده ها نویسنده دگرانديش دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند. بدنیال به توپ بستن مجلس و سپس بستن مطبوعات نوبت به جنبش دانشجویی و فعالان آن رسید. یورش نظامی مزدوران «ولی فقیه» در خرم آباد و زخمی و مجروح کردن ده ها تن از کادرهای جنبش دانشجویی که برای شرکت در اردوی «دفتر تحکیم وحدت» به این شهر رفته بودند و سپس فشار شدید بر روی این «دفتر» برای تسلیم شدن، و در پی آن، آغاز روند دستگیری کادرهای فعال دانشجویی که آخرین نمونه آن دستگیری ابراهیم شیخ در دو روز گذشته بوده است نشانگر ماهیت و گستردگی برنامه های رژیم برای سرکوب کامل جنبش مردمی برای اصلاحات است.

رژیم بر اساس اولویت های بسیار روشن و حساب شده بی نخست با تهدید مجلس و سد کردن تلاش ها برای تغییر لایحه مطبوعات، و با نیرو گرفتن از مماشات و سکوت نیروهای مدافع اصلاحات، مطبوعات را که بلندگوی تبلیغاتی اصلاحات بودند مورد تهاجم قرار داد و سپس با مواجه شدن با سیاست «آرامش فعال»، یعنی بی عملی کامل سران جبهه دوم خرداد، یورش های بعدی را تدارک و آغاز کرد. غیر قانونی اعلام کردن «گروه های ملی - مذهبی» در روز ۲۸ اسفندماه، یعنی روزی که تعطیلات رسمی نوروزی آغاز شده بود، و دستگیری ده ها تن از فعالان ملی - مذهبی

که بر اساس گزارش های رسیده شماری از آنان، زیر شکنجه های «سربازان گمنام ولی فقیه» به «اقدام براندازی» آنها «مسلحانه» بر ضد رژیم اعتراف کرده اند نقطه اوجی در کارزار وسیع رژیم در سال گذشته بود که هدفش بی شک سرکوب کامل جنبش مردمی است. حزب ما در اعلامیه خود این اقدام سران رژیم را «شبه کودتای نوروزی» خواند و ضمن هشدار باش به همه نیروهای مدافع اصلاحات اعلام کرد که سکوت و عقب نشینی در برابر این اقدامات سرکوبگرانه هزینه سنگینی برای جنبش مردمی و روند اصلاحات در میهن ما در بر خواهد داشت. بر اساس همه گزارش های رسیده از درون و بیرون زندان ها رژیم اقدامات وسیعی را برای گسترده کردن دامنه سرکوب تدارک دیده است. به نظر می رسد که رژیم آماده می شود با انجام یک سلسله نمایشات تلویزیونی تهیه شده در شکنجه گاه، نیروهای ملی - مذهبی را به اقدام برای براندازی «نظام» متهم کند و سپس با ایجاد یک شبه حکومت نظامی روند اصلاحات را معلق و اوضاع را به سمتی براند که انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰، به نقطه پایان روند چهار ساله کنونی تبدیل شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، با ابراز نگرانی جدی از وضعیت بحرانی و خطرناک کنونی، همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و مدافع اصلاحات را به اتحاد عمل و اقدام واحد بر ضد تحریکات رژیم استبدادی فرا می خواند. سکوت در برابر این یورش ها، تسلیم شدن به خواست های ارتجاع زیر لوی «حفظ اسلام» و «نظام»، تن دادن به خفت و خواری و تسلیم شدن در برابر تاریخ اندیشان است و عواقبی وحشتناک برای مردم میهن ما در بر خواهد داشت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن شادباش نوروز ۱۳۸۰، معتقد است که نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، توده های میلیونی کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان دلیر میهن ما از چنان توان و نیرویی برخوردارند که در صورت سازمان یافتگی می توانند توطئه های شوم ارتجاع را با شکست روبه رو کنند. باید با هوشیاری و استفاده از همه شیوه های ممکن اعتراض های سراسری به مقابله با رژیم «ولایت فقیه» برخاست و مانع تحقق آمال شوم حکام استبداد شد.

درد آتشین به خاطره تابناک شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

درد به زندانیان سیاسی، خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های شهدا که مراسم فرا رسیدن نوروز را در سوگ عزیزان از دست رفته برگزار می کنند و همچنان به عهد و آرمان های آنان پایبندند!

با امید پیروزی برای جنبش مردمی، در سال ۱۳۸۰، برای دست یابی به آزادی و استقرار حکومت متکی بر اراده مردم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
فروردین ۱۳۸۰

ادامه دو نشست با دو هدف...

توافق کامل بین گروه های فراوان با گرایشهای متفاوت درباره موضوع های گوناگون ممکن نبود. ارائه نقطه نظرهای متفاوت گاهی به مباحثات بسیار شدید و برخورد های خشن می انجامید. تشکیل کنفرانس بخودی خود یک موفقیت عظیم بود اما این نیز سریعاً آشکار شد که عطف توجه به مسایل جایگزین در گردهمایی که طیف وسیعی از گرایش های فکری سیاسی حتی نامتجانس در آن گرد آمده بودند، بسیار مشکل تر از یک اقدام اعتراضی است. نخستین مشکلی که بروز کرد تلاش کسانی بود که می خواستند «اجلاس اجتماعی جهانی» را در جهت اهداف خود منحرف سازند. مثلاً از فرانسه، دو وزیر فعلی و یک وزیر سابق، در اجلاس حضور داشتند، و این در حالی بود که وزیر اقتصاد فرانسه در اجلاس «داووس» شرکت داشت. دومین مشکل درباره محتوی پیشنهادها بود. سیاتل نشان داد که مدل یک جامعه «متحد الشکل» که بر اساس قانون «بازار» بنیان گذارده شده باشد، مردود است. در حالی که تظاهرات اعتراضی مشترک در بین قشرهای وسیع اجتماعی و به ویژه توسط جوانان در همه جا گسترش می یابد، اما جریان گردهمایی «پورتوالگره» نشان داد که چه دشواری های جدی بر سر راه «جایگزین اجتماعی و انسانی» وجود دارد. سومین مسأله اساساً متوجه روابط سازمانهای غیر سیاسی (سیویل) با سازمانهای سیاسی بود. برخی می کوشیدند تا هر گونه ارتباط احزاب مترقی با «اجلاس» را مردود قلمداد کنند، ولی خیلی زود مشخص شد که رد و نفی «هر نوع» حضور سیاسی که توسط پاره یی از سازمانها موعظه می شد با مخالفت وسیع روبه رو شد. به ویژه اینکه بسیاری از سندیکا های آمریکای لاتین، در کشورهای خویش مسأله راه گشایی سیاسی را در مبارزات اجتماعی مطرح می ساختند. قطعاً «گردهمایی اجتماعی جهانی» یک «انترناسیونال» جدید نبود اما مطمئناً سنگ پایه یی برای «وحدت بخشیدن» و «جهانی کردن» مبارزات خلقها بر ضد «جهانی کردن نو لیبرالی» و «سرمایه داری جهانی» بود.

با اقتباس از منابع فرانسوی

## نگاهی به رویدادهای جهان در هفته ای که گذشت

### افزایش بودجه نظامی آذربایجان

وزیر دفاع جمهوری آذربایجان، ژنرال سفرایف، در مصاحبه بی با خبرگزاری آذربایجان و شبکه تلویزیونی ANS، اعلام کرد که، بودجه نظامی این کشور در سال آینده بالغ بر ۱۱۰ میلیون دلار خواهد شد، که نسبت به سال گذشته ۱۳ درصد افزایش نشان می دهد. ایف در مصاحبه دیگری با نشریه «بیرلیک دنیاسی» گفت که، ارتش آذربایجان آماده است تا در هر لحظه بی دست به عملیات بزند و وارد عمل شود. او در همین مصاحبه اعلام کرد که، نیروهای نظامی آذربایجان، ارمنستان را بزرگترین تهدید برای آذربایجان می دانند، و اینکه نیروهای ارتش آذربایجان باید برای مقابله با کشورهای مهاجم آماده باشند. او در باره اینکه این کشورها کدامند، هیچ اظهار نظری نکرد.

### اعتصاب کارگران در کره جنوبی

پلیس کره جنوبی، در یورش بزرگ و خشن به کارگران اعتصابی کارخانه اتومبیل سازی دائوو (DAEWOO) و به دستور کارفرماها، کارگران را از کارخانه بیرون ریخته، بسیاری را بازداشت کرده و تعداد کثیری نیز زخمی کردند. کارفرماها با ترغیب بخشی از کارگران به شکستن اعتصاب قصد گشایش کارخانه را پس از قریب یک ماه اعتصاب و تعطیلی داشتند. این اقدام سبب خشم کارگران شد و شمار زیادی از آنها به همراه خانواده های خود در برابر پلیس ایجاد سد کردند که با خشونت پلیس روبرو شد. در این عملیات بیش از ۳ هزار پلیس شرکت کردند که در تمامی شهر مستقر بودند. در پایان این روز بیش از ۲۶۰ نفر از کارگران بازداشت شدند.

اعتراض کارگران به فروش کارخانه به کمپانی جنرال موتورز آمریکا بود، که باعث از بین رفتن چندین هزار شغل خواهد شد. این کمپانی در نظر دارد تا برای صرفه جویی در مخارج خود، تعداد کارگران خود را کاهش دهد، و این در حالی است که کارخانه دائوو، چندی پیش، بیش از ۷ هزار نفر از مجموع ۱۸ هزار کارگر خود را اخراج کرده است.

کفدراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی، از تمامی اعضا خود خواست تا از مبارزات کارگران کارخانه دائوو پشتیبانی کنند. این اتحادیه برای جلوگیری از اخراج کارگران، به کارفرماها پیشنهاد کرد تا با کاهش ساعات کار، امکان کار برای افراد بیشتری فراهم شود، اما این طرح با مخالفت جدی دائوو مواجه شد. رهبر اعتصاب، کیم ایل سوپ، درباره کارگرانی که به کار بازگشته بودند، گفت: «کارگران داخل کارخانه و خارج از آن باید با همدیگر متحد شوند و بر ضد سرمایه مبارزه کنند... در غیر این صورت کارگرانی که در داخلند نیز سرانجام به سرنواخت ما دچار خواهند شد، ما باید به همراه یکدیگر مبارزه کنیم.»

دائوو دارای ۳ کارخانه اصلی در کره جنوبی است، و طبق آنچه که مشخص شده، جنرال موتورز قصد خرید دو کارخانه از مجموعه کارخانه ها را دارد و قرار بر این است که کارخانه سوم به طور کامل تعطیل شود. بسته شدن این کارخانه به معنای بیکاری بیش از ۵ هزار کارگر است. «برایان بیکر» یکی از فعالین IAC در این باره گفت که «این اقدام ها در راستای دستورات صندوق بین المللی پول صورت می گیرد. دولت کره جنوبی تلاش دارد با ایجاد چنین طرح هایی، سرمایه های خارجی را جذب کند. «دائوو» به عنوان مدل آزمایشی برای تمامی کره جنوبی در نظر گرفته شده است. اگر کارگران این

کارخانه شکست بخورند، کارگران صنایع دیگر نیز در وضعیت تدافعی قرار خواهند گرفت. این اعتصاب طولانی و قهرمانانه، از پشتیبانی تمامی کارگرانی که با «جهانی شدن» مبارزه می کنند برخوردار است. اگر ما ایستادگی و مبارزه نکنیم، نمی توانیم پیروز شویم، و بررغم اینکه مبارزه بی سخت در پیش روست، این تنها انتخاب موجود بر سر راه طبقه کارگر است.»

دستگیری کارگران و دستور گشایش کارخانه به هر قیمت که شده، در تبادل نظر کامل با ایالات متحده و روسای کارخانه جنرال موتورز صورت گرفته است. دستگیری ۲۶۰ نفر از کارگران، درست یک روز پس از جلسه روسای جنرال موتورز، در دیترویت صورت گرفت. در روز پس از دستگیری ها نیز رییس جمهوری کره جنوبی «کیم دا جونگ»، ابتدا با جرح بوش ملاقات کرد و سپس در روز ۹ مارس با رییس جنرال موتورز در شیکاگو ملاقات داشت. در حال حاضر فشار فراوانی بر دولت کره جنوبی است تا به هر قیمتی که شده راه حلی جدی و فوری برای مبارزه با کارگران پیدا کند.

### کارگران ترکیه در مبارزه بر ضد فاجعه اقتصادی

۲۷ فوریه، کارگران ترکیه با تظاهراتی گسترده، بر ضد سیاست های تحمیلی صندوق بین المللی پول و دولت ایالات متحده دست به اعتراض زدند. کارگران و زحمتکشان ترکیه، که بیش از یک سوم حقوق خود را به علت «شناور شدن» پول این کشور در برابر سایر ارزها و سقوط ارزش آن از دست رفته می بینند، به خیابان ها ریختند. این تظاهرات اعتراضی که در انتها به درگیری با نیروهای پلیس کشیده شد به دستگیری بیش از ۵۰ نفر انجامید. ترکیه با ۶۵ میلیون نفر جمعیت و به عنوان یکی از مهمترین پایگاه های نظامی ایالات متحده آمریکا در خاور میانه، مدت های مدیدی است که سرسپرده تصمیمات و دستورات آمریکا و بانک های امپریالیستی است.

در سال گذشته، صندوق بین المللی پول با دادن وامی به میزان ۷/۵ میلیارد دلار موافقت کرد و دولت ترکیه نیز در مقابل آن قول داد تا برای کاهش تورم دست به خصوصی سازی در بخش های صنعتی از جمله مخابرات بزند. درگیری های اخیر ترکیه پس از جلسه «مجمع امنیت ملی» که بدنه واقعی قدرت در ترکیه است، صورت گرفت. «مجمع امنیت ملی» ارگانی است که در آن سران ارتش و سیاستمداران تصمیم های سیاسی را اتخاذ می کنند. با اینکه ترکیه از سیستم پارلمانی برخوردار است و این کشور را دارای دموکراسی معرفی می کنند

، اما قدرت اصلی در دست این مجمع است که تصمیمات خود را به مجلس ابلاغ می کند.

تشکیل این جلسه در واقع هشدار بی به کارگران بود و با این مفهوم که ارتش آماده است تا در هر لحظه که لازم باشد، وارد عمل شود.

کاهش ارزش پول ترکیه متعاقب بحران اقتصادی اخیر، به مفهوم کاهش استاندارد زندگی مردم است. مردم مجبورند برای هر کالایی که وارداتی است پول بیشتری را بپردازند و صدور اجناس نیز مقرون به صرفه نیست. با اعلام وضعیت بحرانی، نمایندگان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول سراسیمه وارد آنکارا شدند تا در رابطه با جلوگیری از گسترش بحران اقدام کرده و دستورات لازم را به دولت ترکیه ابلاغ کنند.

پس از این دیدار «وال استریت ژورنال» در روز ۲۸ فوریه نوشت که ترکیه با تغییر در سیستم اقتصادی خود قصد دارد تا به جای تلاش برای پایین نگهداشتن تورم، برای پرداخت بدهی ها تلاش کند. جرج بوش، نیز طی تماس تلفنی حمایت و پشتیبانی خود را از اجویت اعلام کرد، پشتیبانی جرج بوش به معنای پشتیبانی صندوق بین المللی است که در آن آمریکا صاحب ۵۰ درصد آرا است. این اقدام چرخشی بزرگ در سیاست های بوش است، بوش در کارزار انتخاباتی خود گفته بود که صندوق بین المللی نباید از کشورهایی که اقتصاد آنها رو به رکود است و دچار بحران شده اند، حمایت کند.

«پائول اونیل» منشی خزانه داری کل آمریکا، از این موضع گیری پیشترمی رود و در مصاحبه ای در سال ۱۹۹۸ و درباره بحران مالی روسیه گفته بود که روسیه باید دیوانه باشد و اضافه می کند که من متوجه نمی شوم که چرا کشوری باید به واحد پولی خود ثبات ببخشد.

اما امروز، بوش و اونیل، هر دو درس مهمی گرفتند و دریافتند که چرا سیاست بمانند اقتصاد می تواند سبب اتخاذ چنین تصمیم هایی شود. ترکیه متحد نظامی ناتو در منطقه است و اجازه می دهد تا هواپیما های آمریکایی از ترکیه برای انجام عملیات خود استفاده کنند، بویژه در عملیات هوایی بر ضد عراق. از سویی دیگر بیش از نیمی از وام های دریافتی ترکیه در سال گذشته از بانک های آلمان بوده است. و این در حالیست که رقابت بین سرمایه آمریکایی و آلمانی رو به گسترش است. این ها دلایلی است که بر اساس آن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با ترکیه به مذاکره پرداخته اند. بانک جهانی بطور عمده تحت نفوذ سرمایه های اروپایی و به ویژه بانک های آلمانی است در حالی که صندوق بین المللی پول وسیله ای در دست سرمایه های آمریکایی است.

در حالی که اختلافات سیاسی و رشوه خواری در دولت عامل اصلی بحران کنونی عنوان شده است، اما دلیل واقعی فاجعه اقتصادی اخیر نیست. فساد، رشوه خواری و اختلاس در تمامی دولت های سرمایه داری، کم و بیش، وجود دارد. ترکیه قربانی بدهی های سنگین خود و بهره های سرسام آور آن است، بحرانی که از طرف امپریالیست ها در جهان سوم ایجاد می شود تا بدین وسیله بتوانند این کشورها را هرچه بیشتر چپاول کنند و تحت کنترل سیاسی و اقتصادی خود نگهدارند. چنین

**ادامه دو اجلاس با دو هدف در دو ...**

چاره جویی کنند و در آن دیگری، هزاران نماینده سازمانهای غیر دولتی، سندیکاها، انجمنها، احزاب سیاسی و صدها تن از منتخبین «پارلمان» های ملی، منطقه ای و شهری (شهرداریها) و نمایران، پژوهشگران، اقتصاددانان و در واقع شهروندان عادی جهانی گرد آمده بود تا جایگزینی انسانی برای نولیبرالیسم جهانی بیابند و برای «جهانی شدن» همبستگی انسانی برنامه ریزی کنند.

برگزاری این جنبش اجتماعی پرصلابت جهانی، که برای اولین بار انجام می گرفت، اگر در هر زمان دیگری می بود فقط باعث نشستن «لیخندی» بربل های «نخبگان جهانی» در «داووس» می گردید. ولی اکنون دیگر زمان نیشخند استهزا بربل آوردن نیست، بلکه زمان خشکیدن لیخنه بر چهره مضطرب «نخبگان جهانی» است.

امسال در داووس، لحنها کاملاً تغییر کرده بود. جهانی کردن نولیبرالی چنان چالشی از نابرابری بین ملل ثروتمند تر و خلق های فقیر تر، حتی در خود کشورهای توسعه یافته، را سبب شده که دیگر تجاها به آن غیر ممکن است. امسال دگرگونی شرایط جهانی، در فضای مسلط براجلاس سالیانه «داووس» که میدان عمل بزرگترین شرکت های چند ملیتی و رهبران سیاسی «جهانی» است، کاملاً محسوس بود. ختم همه چیز، ختم سخنرانی های پر هیاهوی میان تھی درباره «اقتصاد جدیدی» که صفت مشخصه آن از این پس باید مصون داشتن سرمایه داری از بحران های ادواری باشد، ختم مدیحه سرایی در باره مزیت های سرمایه داری که در هشت سال گذشته هر ساله از زبان بیل کلینتون در قالب شایستگی نمونه آمریکایی و نرخ «رکوردشکن» تولید اقتصادی آن، در این مقر با شکوه ورزش های زمستانی سویس، تکرار می گردید.

در ماه های اخیر، شاخص ارزش سهام صنایع تکنولوژیک آمریکایی سقوط کرده است. ورشکستگی در بین شرکت هایی که از نظر شاخص های اقتصادی «تک» محسوب می شدند، به صدها رسیده و هیچ بخشی از صنایع آمریکایی از آثار رکود قریب الوقوع مصون نمانده است. روزی نیست که یک شرکت از شرکت های بزرگ بیکار کردن گروهی بزرگ را اعلام نکند. عمده ترین مباحثات حدود ۲۰۰۰ شرکت کننده در اجلاس امسال بر روی احتمال «نزول آرام» و یا سقوط شدید اقتصاد در ایالات متحده متمرکز شده بود. عده بی از شرکت کنندگان کوشش داشتند با اعلام این که شاخص مصرف آمریکاییان در ماه ژانویه افزایش داشته است خود را تسلی دهند و اندکی از شدت نگرانیها بکاهند.

اما این تنها اقتصاد آمریکا نیست که در آغاز سال ۲۰۰۱ عدم موفقیت خود را به ثبت می رساند. دل واپسی های بزرگ دیگری در رابطه با برخی تحولات عمده در اقتصاد جهانی مطرح شده است. در خاور

دور، زاین بیش از حد مقروض است (حدود ۱۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی) و در کوشش برای خروج از رکود عمیق اقتصادی موفق نبوده است. کره جنوبی، تایلند، سنگاپور و کشورهای دیگر (ببرهایی آسیایی سابق) که بسیار به مبادلاتشان با آمریکا وابسته اند، نتوانسته اند به طور واقعی از بحران مالی سال ۱۹۹۸ بیرون بیابند و مجدداً علائم ناراحت کننده یک «تنگی نفس» را نمایان ساخته اند. حتی در اروپا، که در حال حاضر تصادفاً مصون به نظر می رسد، در کشوری مانند المان، در آینده نزدیک انتظار ظهور رخوتی محسوس در تامین مواد اولیه تولید جدی به نظر می رسد.

حقیقت آنست که، ریشه های هیچ یک از بحرانهای بزرگ سالهای اخیر (در آسیا، روسیه و آمریکای لاتین) واقعاً از بین نرفته است. بلکه در مقابل تهدید های تازه ای مطرح شده اند، مانند آنچه که در بالا اشاره شد، و به همه آنها باید بی ثباتی بازار کار و در آمد ها، شانه خالی کردن دولتها از زیر تعهدات اجتماعی، مسایل مربوط به امنیت غذایی، بهداشت، آموزش و پرورش، تحقیقات و خدمات عمومی را افزود. از این پس در صدد اند حتی در کشورهای ثروتمند مشهور، که «طبقه دل واپس» (یعنی سرمایه داران) را از غرق شدن نجات دهند. و در زمینه سیاسی، در کشورهای پیشرفته بخوبی می توان روی گرداندن توده ها از سیستم سیاسی حاکم را با کاهش درصد شرکت کنندگان در انتخابات مشاهده کرد. و یا در کشورهای فقیر، «حاکمیت» ها دست در دست کمپانی هایی که اختاپوس وار همه عرصه های حیات اقتصادی را در کنترل دارند مسیب پس رفت در تمام زمینه ها و رشد جنگ و گرسنگی اند. پروژه بزرگ دیگر مورد بحث در کنفرانس «داووس» عبارت بود از مسئله کاهش شکافها (اجتماعی، اطلاع رسانی، فرهنگی و)، که نشانگر دگرگونی بی در جو حاکم بر کنفرانس عالی سنتی «نخبگان جهانی» بود. «جیمز ولفسون» رئیس بانک جهانی می گوید: «هشتاد درصد جمعیت جهانی فقط ۲۰ درصد ثروت را دارا هستند» اما جای علت و معلول را تغییر می دهد و در دفاع از «جهانی کردن» می گوید: «جهانی کردن را نباید سبب تمام مشکلاتی دانست که پیش تر از این و برای مدت مدیدی وجود داشته است.» به نظر او مشکل نه جهانی کردن است و نه سرمایه داری.

و اما نخستین «اجلاس اجتماعی جهانی»، یک سال پس از قیام سیاتل، در «پورتو الگره»، مرکز ریوگرانده دوسول، که شهرداری آن از سال ۱۹۸۸ تحت کنترل جبهه چپ «اتحاد توده ای» (متأثر از سیاست های حزب کارگران برزیل) تشکیل شد و کوشید تا چگونگی به هم آمیختن دست آورد های اقتصادی با ثمر بخشی اجتماعی را بررسی کند. سازمان دهندگان نمایش های اعتراضی بر ضد گرد هم آیی صندوق بین المللی پول در سیاتل

**سپاس**

به مناسبت فرا رسیدن سال نو پیام های گرم تبریک همراه با آرزوی موفقیت و پیروزی، از سوی اعضاء، هواداران و دوستان حزب، به دفتر «نامه مردم» رسیده است. ما ضمن تشکر از همه این پیام ها متقابلاً سالی سرشار از موفقیت و پیروزی برای حزبمان و جنبش مردمی آرزومندیم.

تشخیص داده اند که باید از اعتراضات ساده فراتر رفت و حرکتی جدی بسوی جهانی دیگر، یک جهان انسانی، را آغاز کرد. حرکت و اقدام برای یک جهان متفاوت از این فکر نشأت گرفت که اعتراض، بدون عمل سازنده، به «زاری» در مقابل «دیوار ندره» نولیبرالیسم تنزل خواهد یافت.

نخستین «اجلاس اجتماعی جهانی» با صدای طبل و با ریتم سامبا در «پورتوالگره» آغاز شد. با پیوستن بزرگترین گردان جنبش دهقانان بی زمین، سازمان سندیکایی «مرکز واحد کارگران» و بسیاری از جوانان، چه نمایندگان منتخب و چه شهروندان ساده، که از همه جابه صورت گروهی آمده بودند تا در همایش بزرگ اعتراضی جهانی شرکت جویند، با به اهتزاز در آمدن پرچم های سبز و سرخ و رویان های پارچه ای که بر بالای سرها در پرواز بودند، و با آهنگ موزون شعارهایی بر ضد مالکان بزرگ برزیل، شرکت های فرا ملی و «جهانی کردن» نولیبرالی، شهر از شادی، نیرو و روحیه مبارزه جویی، لبریز شده بود. صفوف منظم و فشرده بیست هزار نفری تظاهر کنندگان که در مرکز «پورتوالگره» رژه رفتند صرفاً برای این نبود که قدم ها را با ریتم «سامبا» ی گروه های موزیک «مرکز سندیکایی برزیل» و یا «حزب کارگران برزیل»، هم آهنگ سازند. بلکه عمیق تر از آن، این احساس بود که نیروی بالقوه ای از هوشمندی و خلاقیت در «پورتوالگره» گرد آمده اند تا جایگزینی نو برای مضمون های مهمی ایجاد کنند که سازمان دهندگان اجلاس مطرح می سازند. «اولیویو دوترا» فرماندار «ریو دوگرانده دوسول» (از حزب کارگران برزیل) در هنگام گشایش کار کنفرانس یاد آور شد که «از این پس باید از مرحله ای به مرحله ای کامل تر و پیچیده تر رفت و از اعتراض ساده به عمل سازمان دهی شده گذار کرد. دقیقاً این که باید دنیا را دگرگون کرد.» تمام موضوعهای مهم: بدهی ها، سیستم پولی و اعتباری جهانی، اصلاح ساختاری صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، مسئله انتقال سرمایه ها، کار کودکان، خدمات اجتماعی و... در چارچوب از میان برداشتن موانع و نزدیک تر شدن هر چه بیشتر نظریات گوناگون با یکدیگر، مورد بحث و بررسی ده ها میز گرد، جلسه و گروه های کاری قرار گرفت. مسلماً حصول

ادامه در صفحه ۶

<p><b>آدرس ها:</b> لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.</p> <p>1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany                  2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK                  3. <a href="http://www.tudehpartyiran.org">http://www.tudehpartyiran.org</a></p>		<p><b>27 March 2001</b></p>	<p><b>حساب بانکی ما</b></p> <p>نام: IRAN e. V.                  شماره حساب: ۷۹۰۰۲۰۵۸۰                  کد بانک: ۱۰۰۵۰۰۰۰                  بانک: Berliner Spar</p>
<p><b>Nameh Mardom-NO 605</b>                  Central Organ of the Tudeh Party of Iran</p>		<p><b>شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما</b></p> <p>۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷</p>	